

## سخنرانی حضرت آیت الله حائری

بسم الله الرحمن الرحيم

چند سؤال را آقایان مطرح کرده اند که در سمینار مورد بحث قرار گیرد. سئوالی را که من انتخاب کرده ام بدین شرح است: آیا احکام ناظر بر دینار و درهم بر پولهای امروزی نیز حاکم است؟ البته بحث پیرامون این سؤال در حوزه علمیه بیش از یک ماه به طول انجامید. در این زمینه فقط به یکی از احکام آن مسئله اشاره می کنم و آن اینست که براساس فقه اسلامی ربای قرضی حرام است یعنی قرض دادن همراه با زیادتی حرام است، اما بحثی است که یکی از بزرگان مطرح کرده اند که اسکناسهای امروز با آن دینار و درهم قدیم که طلا و نقره بودند فرق دارد. فرقی این است که آن در هم و دینار که فرضاً من ده دینار بشما قرض داده ام و بعداً بخواهم دوازده دینار بگیرم، این جایز نیست چون این اضافه است ولی راجع به اسکناس اگر من به شما هزار تومان قرض دادم و بعد از مدتی ۱۲۰۰ تومان بگیرم این احتمالاً بی اشکال است چون این نتیجه تورم است یعنی قیمت ۱۲۰۰ تومان پنج ماه بعد، از نظر ارزش، مساوی است با هزار تومان پنج ماه قبل، پس من اضافه نگرفته ام، این اضافه نیست، چون اسکناسها روز به روز قیمتشان تنزل می کند، لذا این ۱۲۰۰ مساوی است با هزار تومان و ربا نیست. این بحث فکر نمی کنم در حال حاضر اثر عملی داشته باشد چون چنین چیزی در بانکها وجود ندارد. بانکها وضع

خودشان را بر این منبا قرار نداده‌اند، وضعشان را بر مضاربه، مساقات، مزارعه قرار داده‌اند. این چیزی است که مورد عمل نیست، بحثی است که فرهنگ و پژوهشگری اسلامی را به طور عموم بالا می‌برد و مطرح کردنش به طور عموم برای ارتقاء سطح اندیشه اسلامی مفید است. این بحث ابتداء در برابر علماء در حوزه علمیه قم مطرح گردید و با توجه به شأن علمی سمینار امروز در اینجا مطرح می‌شود.

گفتیم قیمت اسکناس روز به روز پائین می‌آید بنابراین اگر در قبال هزار تومان که قبلاً داده‌ام پنج ماه بعد ۱۲۰۰ تومان بگیرم شاید بتوان گفت این ربا نیست، زیادتی نیست، اضافه نیست، برای اینکه اسکناس قیمتش پایین آمده.

در حقیقت اگر بخواهیم این سخن را ارزیابی کنیم لازم است که شناخت کلی از اسکناس داشته باشیم، اسکناس چیست؟ پول حقیقی اصلی که نیست، اگر بخواهیم ارزش حقیقی این تکه کاغذ را تعیین کنیم، ارزش ندارد، بلکه این پولی است که - به واسطه قرارداد یا به واسطه دستوری که دولت وقت می‌دهد هر دولتی باشد چه دولت عادل چه ظالم - اعتبار پیدا می‌کند، دقیقاً ببینیم این ارزش چیست؟ در این زمینه دو نظریه وجود دارد. طبق نظریه اول، اسکناس زمانی که دارای اعتبار شد در حقیقت با چک و برگهای بها دار همانند گردید مثل این که مطالبه شما را به صورت چک می‌نویسم به شما می‌دهم و شما از بانک می‌گیرید، این چک چون پشتوانه دارد برای شما محترم است، اما در اینجا پول در واقع حواله‌ای است که شما از بانک می‌روید می‌گیرید مانند چک تضمینی متعارف بین بانکها مثل حواله که به هر شعبه که ارائه شود به شما پول می‌دهند، مدرکی است که به دست شما می‌دهند که بدانید مبلغی را از بانک یا دولت طلب دارید، هر وقت که به بانک یا دولت بدهید باید پشتوانه آن را به شما بدهد، حال کار نداریم پشتوانه‌اش طلا و نقره باشد، نفت باشد، یا کل وضع اقتصادی کشور یعنی نه فقط طلا و نفت و چیزهای مادی مجسم بلکه کل وضع اقتصادی کشور اعم از جوانب مادی یا معنوی آن، بالاخره حق دارید آن پشتوانه را از بانک بگیرید، این یک نظریه، یک دید است برای شناخت ماهیت پول. بحث قبلی ما بر مبنای این دید درست است، که وقتی هزار تومان می‌دهم هزار و بیست تومان بگیرم، آن پشتوانه، آن قیمتی که پشت هزار تومان است بعد

از پنج ماه پشت هزار تومان نیست پس حق دارم اگر ۱۰۰۰ تومان دادم، ۱۲۰۰ تومان بگیرم. در برابر این شناخت (شناخت ماهیت اسکناس) تعبیر دیگری نیز مطرح است. چنین نیست که شما این پول را مثل یک سند ارائه بدهید و بعداً پشتوانه خود را بگیرید، بلکه این اسکناس به واسطه اعتباری که دولت محلی یا مؤسسه جهانی به آن داده است بین فرد و دولت مطرح می‌شود. بحث ما بیشتر راجع به فرد و دولت است. آن دید اول، نظریه اول در تفسیر اسکناس، به دلایل زیر دید نادرستی است، صحیح نیست. این امر در زمان قدیم مصداق می‌یافت که تازه اسکناس به وجود آمده بود، می‌گفتند پشتوانه‌ای دارد که از طلا و نقره است ولی روشن است که امروزه این طور نیست. امروزه پشتوانه‌اش عبارتست از کل وضع اقتصادی مملکت، به عبارت دیگر، امروزه پول حالت چک را ندارد که با ارائه آن به بانک، بتوان پشتوانه آن را بلافاصله دریافت نمود.

دلیل دوم: این است که چنانچه پشتوانه این پولها کاهش یابد، تأثیر در ارزش چک ندارد، ارزش چک بانکی پایین نمی‌آید، ولی اگر دولت به خاطر مشکلاتش مجبور باشد پول اضافی چاپ کند تا مشکلات داخلی خودش را برطرف کند، بدیهی است ارزش پول کم می‌شود، در این صورت، نمی‌توان همان پول را به بانک داد و معادل ارزش قبلی دریافت نمود. ثالثاً اگر به هر دلیلی چک از بین رفت، مثلاً سوزانده شد، در این صورت باز می‌توان مبلغ مورد نظر را از بانک دریافت کرد، یعنی در این حالت شما می‌توانی پول خود را از طرف بگیری فقط باید ثابت کنی و حاکم قانع شود اما اگر پول سوخت چنین حقی از نظر عرفی متصور نیست. بنابراین اسکناس حکم سند و چک تضمینی را ندارد پس می‌توان نتیجه گرفت که نظریه اول قابل پذیرش نیست. اما نظریه دوم را باز از دو دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد که احکام این دو قسمت با هم فرق می‌کند. تفسیر اول این است که بگوییم پول، محض قیمت، محض ارزش است نه اینکه پول کالایی ارزش‌دار باشد، به صورت کالای ارزش‌دار در آید و حامل ارزش باشد و تفسیر دوم این است که بگوییم اسکناس کالایی است ارزش‌دار نهایت ارزشش اعتباری است، مثلاً عقیقی که پنج هزار تومان می‌ارزد در مقایسه با شیشه‌ای که خیلی زیباست و ارزش چندانی هم ندارد کالائی پربهاست در صورتی که این یک امر اعتباری بیش نیست.

دید اول می‌گوید اسکناس ارزش مجسم است عین ارزش است نه حامل ارزش نه دارای ارزش، دید دوم می‌گوید این پول دارای ارزش و حامل ارزش است. اگر ما دید اول را بپذیریم و بگوئیم پول عین ارزش است مشکل ربا حل می‌شود یعنی همان مثال هزار تومان است که به شما قرض دادم بعد از پنج ماه که قیمت پول به علت تورم پایین آمد من حق دارم حق دارم ۱۲۰۰ تومان بگیرم و این ربا نیست، چرا؟ به علت اینکه این ارزش ۱۲۰۰ تومان حالا مساوی با ۱۰۰۰ تومان پنج ماه پیش است، پس این ربا نیست، البته این دید صحیح نیست. از نظر عرفی روشن است که پول ارزش دار است نه عین ارزش، یعنی این که پول حامل ارزش است نه ارزش مجسم. پس مطلب منحصر می‌شود به تفسیر دوم، یعنی پول کالائی است بهادار و اگر اینطور شد، مشکل ربا حل نمی‌شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته